

حاشیه‌ای بر یک میزگرد خانه از باب است ویران است...

مهدی لایموت، دبیر ادبیات مدارس خوی

اشاره

مدت‌هاست متداول و مرسوم شده که در روزنامه‌ها، مجلات، هفته‌نامه‌ها و تلویزیون عده‌ای کارشناس دور میزی که ترجیحاً به آن میزگرد می‌گویند، دور هم گرد می‌آیند و در خصوص مسائل مختلف ادبی، علمی، آموزشی، اجتماعی و ورزشی بحث و گفت‌وگو می‌کنند و با آسیب‌شناسی، راهکارهایی بدون پشتوانه اجرایی و عملی ارائه می‌دهند.

گزارش یکی از این میزگردها که با حضور دکتر محمد رضا سنگری و استاد عمرانی و دیگر عزیزان تشکیل شده بود، در فصل‌نامه زبان و ادب فارسی شماره ۹۹ پاییز ۱۳۹۰ به چاپ رسید. در خصوص این میزگرد و بحث‌هایی که استادان بزرگوار مطرح کرده بودند، با کسب اجازه از محضر آقایان دکتر سنگری و عمرانی مطالبی مرقوم می‌شود.

دکتر سنگری بحث را با سؤال آغاز کردند که: «معلم ادبیات دارای چه ویژگی‌ها و خصوصیتاتی باید باشد. البته خود ایشان در ابتدای کلام برای باز شدن بحث گفتند که معلم ادبیات غیر از اکتاف به صفات و ویژگی‌های عام معلمی، می‌بایست به اخلاق و خصوصیات خاصی نیز متصف باشد. در ادامه، عزیزان حاضر در بحث به چند نمونه از این صفات اشاره کردند که الحق اگر هر دبیر ادبیات پایه و مایه‌ای از آنها داشته باشد، بی‌شک در تدریس موفق خواهد بود اما سخن اینجاست که تمام مطالب ارائه شده در خصوص صفات خاص دبیر ادبیات جزء فرعیات‌اند و آن جوهره اصلی و ویژگی مهم مورد غفلت واقع شده و سخنی از آن به میان نیامده است. به نظر بنده، اصلی‌ترین ویژگی معلم ادبیات داشتن عشق و علاقه قلبی و درونی به ادب فارسی است و بدون در نظر داشتن این اصل، خصوصیات ذکر شده توسط دوستان در میزگرد مذکور هیچ دردی را از ادبیات درمان نخواهد کرد. به عبارت دیگر، آنها ویژگی‌های جنبی و فرعی هستند که در صورت وجودشان اصل اساسی فرد را در رسیدن به نتیجه مطلوب یاری خواهند کرد. همانند داستان جنید و بهلول که جنید بدون در نظر داشتن اصول اساسی خوردن و خوابیدن و سخن گفتن به بیان فرعیات و آداب معمول آن پرداخت و بهلول به او یادآور شد که بدون در نظر داشتن اصول مهم در خوردن و خوابیدن و سخن گفتن، «اگر صد از این گونه آداب به جای آوری، بی‌فایده است.»

البته گلی به جمال استاد عمرانی که در کشاکش بحث دغدغه این را داشتند که در بیان نظریات صرفاً به ارائه فرضیات و تئوری‌ها پرداخته نشود و موضوع در مسیری قرار بگیرد که جنبه عملی و اجرایی داشته باشد و برای خوانندگان راه‌گشا باشد و هم ایشان بودند که علم مسموم و مطبوع را نیز مطرح کردند. در تأیید مطالب مذکور از همین فرموده کمک می‌گیرم و می‌گویم از دبیر ادبیاتی که بدون عشق و علاقه قلبی و تحت شرایطی خاص و در نتیجه دست به دست هم دادن ابر و باد



و مه و خورشید و فلک به این رشته روی آورد، انتظار علم مطبوع را نباید داشت؛ همان علمی که به قول آقای عمرانی، باید از درون بجوشد و از عمق جان و دل برآید و لاجرم بر دل مخاطب نشیند.

اگر معلم ادبیات با حافظ مأنوس نباشد، به مولوی عشق نوزد، اوقات تنهایی‌اش را با سخنان نغز سعدی شیرین سخن سرزنند و خوشه‌چین معرفت بزرگ‌مردانی چون عطار و سنایی و خیام نباشد، حضورش در کلاس صرفاً فیزیکی است، علم وی همان علم مسموم است و شعر و نثری که می‌خواند، پوسته‌ای خواهد بود خشک و فاقد روح دل‌انگیزی که شاعر و نویسنده فرهیخته آن در کالبد اثر دمیده است. به قول حافظ، راهی خواهد زد که نتوان آهی بر سازش نواخت و شعری خواهد خواند که رطلی‌گران با آن نتوان زد.

لذا با این نقص و کاستی حتی نباید انتظار انتقال آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و به زیستن را داشت که یکی از اهداف ادبیات رسیدن به آنهاست و همان دغدغه به‌جایی که آقای عمرانی داشتند و نگران پس‌زدن این آموزه‌ها توسط دانش‌آموزان

دبیر ادبیاتی که بدون عشق و علاقه قلبی و تحت شرایط خاص و در نتیجه دست به دست هم دادن ابر و باد و مه و خورشید و فلک به این رشته روی آورد، انتظار علم مطبوع را نباید داشت

اگر مراکزی مانند تربیت معلم پویا باشند، می‌توان با روش‌ها و شیوه‌های نوین در تمام رشته‌ها، به خصوص ادبیات، تربیت کرد و در نتیجه، جو دانه به یادداشتن جشنی محتوای ادبیات از انتقال آموزه‌های سرشار دینی، میهنی و انسانی را داشت

بودند. البته بعضی از همین معلمان هستند که به قول آقای قاصدی دچار کنکورزدگی می‌شوند و با ادبیات مانند ریاضی و فیزیک و جبر و مثلثات رفتار می‌کنند و مطالبی کلیشه‌ای و قالبی را مطرح می‌کنند که فقط به درد کنکور دانش آموز می‌خورد نه زندگی فردای او. آنها گاهی از همین رهگذر کلاس‌های کنکور بی‌جاذبه‌ای تشکیل می‌دهند که هیچ مناسبتی با روح ادبیات و عاطفه احساس نابی که در آن موج می‌زند، ندارند و صرفاً با انگیزه‌های مالی و اقتصادی برگزار می‌شوند.

نکته دیگر اینکه به فرض اگر دبیران ما تمام خصوصیات مطلوب مذکور، اعم از آینه بودن، داشتن علم مطبوع و عشق و علاقه درونی به ادبیات، را دارا باشند، باز شرطی دیگر جهت حصول به نتیجه مطلوب لازم است و آن، آشنایی با مهارت‌های تدریس و به‌خصوص روش‌های نوینی است که با شرایط امروز جامعه و دانش‌آموزان همخوانی داشته باشند. در غیر این صورت، کمیت معلم در فرایند تدریس لنگ خواهد زد.

بحث اینجاست که بیشتر معلمان ما با همان روش‌های سنتی چند دهه پیش تدریس می‌کنند. البته تقصیر و گناهی هم متوجه ایشان نیست؛ چراکه تاکنون هیچ‌گونه کلاس و آموزش مفیدی برای این عزیزان طراحی نشده و کلاس‌های ضمن خدمت که گاه به بهانه تغییر کتب درسی برگزار شده‌اند، به قول آقای قاصدی یک دور تکراری برای پر کردن ساعات ضمن خدمت و رفع تکلیف و خالی نبودن عریضه بوده است.

آقای سنگری! استاد ارجمند! به‌نظر می‌رسد بهتر است که هنگام گزینش دبیر ادبیات به‌دنبال ویژگی‌های مطلوب باشیم و بعد دبیرانی با خصوصیات مدنظر تربیت کنیم نه اینکه بعد از ورود دبیران به عرصه آموزش به‌دنبال صفات مطلوب در وجود آنها بگردیم. لازم است معلمانی تربیت شوند که ضمن اکتفا به صفات و ویژگی‌های خاص دبیر ادبیات، با روش‌های نوین تدریس آشنا باشند. از این گذشته، باید برای دبیران کنونی ادبیات نیز کلاس‌های مستمر ضمن خدمت با مدرسانی که خود با روش‌های نوین تدریس آشنا باشند، برگزار گردد. مدرسانی که خود عملاً چندین سال این شیوه‌ها را در کلاس‌های درس به صورت عملی اجرا کرده و به صورت ملموس و محسوس به نتایج آنها رسیده باشند. علاوه بر این کتاب‌های مرتبط با کتب درسی از قبیل متون نظم و نثر و کتاب‌های دستور نوین به دبیران معرفی شود و در طول سال به‌طور مستمر کلاس‌های ضمن خدمت به‌صورت غیر حضوری برگزار گردد.

سخن آخر اینکه از زمانی که درهای مراکز تربیت معلم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مراکز پرورش و تربیت معلمان متعهد و متخصص و آشنا به روش‌های به‌روز تدریس تخته شده، دیگر مراکز عالی و دانشگاهی نتوانستند رسالت آنها را به‌درستی بر دوش کشند و خروجی‌های مناسبی داشته باشند. اگر مراکزی مانند تربیت معلم پویا باشند، می‌توان معلمانی به‌روز و آشنا با روش‌ها و شیوه‌های نوین در تمام رشته‌ها، به‌خصوص ادبیات، تربیت کرد و در نتیجه انتظار به‌پا داشتن جشنی جاودانه در کلاس و انتقال محتوای ادبیات از قبیل آموزه‌های سرشار دینی، میهنی و انسانی را داشت.



وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهانه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند)

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهانه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهارشماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

◆ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

